

مردم قضاوت می کنند

کدام سیستم در این دو جمهوری؟

بلاروس یا روسیه

امیرعلی لاهرودی

با پیروزی انقلاب در روسیه، یک ششم خشکی کره ارض از سیستم جهانی سرمایه داری جدا شد و سیستم اجتماعی و اقتصادی جدید در این کشور شکل گرفت. مالکیت زمین و ابزار تولید در دست دولت قرار گرفت. بازار واحد، در داخل سرحدات واحد و در محاصره سرمایه داری جهانی تشکیل گردید. اقتصاد غیر سرمایه داری با اتکا به منابع داخلی و بازار بسته ملی، به رشد جهش وار نائل آمد. روسیه در کوتاه ترین مدت به یک کشور مقتدر تبدیل شد.

جهان کهنه در برابر قدرت نوحاسته به دو قسمت تقسیم شد. صاحبان ثروت در جهان، همه امکانات سیاسی، اقتصادی و نظامی خود را برای مقابله با این جزیره امید بسیج کردند. و برای مدتی نسبتاً طولانی در آماده باش نظامی به سر بردند.

در عین حال انسانهای فاقد ثروت نیز در مقیاس جهانی از این جزیره حمایت معنوی و سیاسی بعمل آوردند. در برهه ای از زمان سرحدات جغرافیائی آن وسعت پیدا کرد و جهان به دو اردوگاه تقسیم گردید.

اما بر اثر تخریب در پشت جبهه و خیانت آشکار ساکنان اردوگاه زحمتکشان، این دستاورد از بین رفت و یکپارچگی جهان سرمایه داری احیا گردید. نئولیبرالیزم سراسر جهان را فرا گرفت. دو کشور از بقایای اردوگاه زحمتکشان به مثابه دو جزیره (چین و بلاروس) در میان طلاطم امواج اقیانوس تعادل خود را از دست ندادند و موجودیت خود را حفظ کردند. در شماره گذشته درباره چین نوشتم. امروز درباره بلاروس سخنی چند با خوانندگان دارم:

بلاروس یک کشور کوچک ده میلیونی، در اروپای شرقی (در شرق لهستان و در غرب روسیه) واقع است. این دو کشور با اقتصاد لیبرالی بلاروس را تحت فشار سیاسی و اقتصادی قرار میدهند، اما نمی توانند رئیس جمهور این کشور (لوکاشینکو) را از سیاست اقتصادی خود منصرف سازند و نگذارند بلاروس برای کشورهای اروپای شرقی و روسیه سرمشق شود.

بر خلاف روسیه که ۹۰ درصد اقتصاد آن بدون توجیه قانونی در دست یگ گروه تازه به میدان رسیده متمرکز شد، صنایع کلیدی از میان رفت و فقر سراسر کشور را فرا گرفت. صنایع کلیدی بلاروس، مانند سال های حکومت شوروی هم چنان در دست دولت باقی ماند. اصل چند بخش بودن اقتصاد ملی اکنون نیز ثمر بخش بودن خود را در بلاروس به اثبات رسانده است. سه بخش جداگانه دولتی، تعاونی و خصوصی ارگانیزم واحد اقتصاد بلاروس را تشکیل می دهد.

کشورهای مشترک المنافع، از جمله روسیه، هم چنین اتحادیه اروپا، بزرگترین وارد کنندگان کالاهای صنعتی بله روس هستند.

بلاروس یکی از جمهوری های اتحاد شوروی سابق است. این کشور فاقد منابع طبیعی نفت و گاز است. بدین جهت ایجاد صنایع سنگین در بلاروس جزئی از صنعتی کردن اتحاد شوروی بشمار می رود. صنایع سنگین و صنایع الکترونیک در این جمهوری، هسته اصلی اقتصاد بلاروس را تشکیل می دهد. "شوشک اویچ"، یکی از سه نفری بود که حکم متلاشی

شدن اتحاد شوروی را در شکارگاه زمستانی بلاروس امضا کرد. او اولین رئیس جمهوری بلاروس بود که تحت نام رفرم اقتصادی، صنایع بلاروس را در آستانه و نابودی قرارداد. تنها کسی که از این عمل خرابکارانه جلوگیری کرد، لوکاشینکو رئیس جمهوری منتجب مردم بلاروس بود. احیا و رشد صنعت در بلاروس، مدیون شخص لوکاشینکو است. لوکاشینکو شرکت های تعاونی کشاورزی را نیز حفظ کرد. این شرکت ها از حمایت دولت بر خوردار هستند و مواد غذایی تولیدی در روستاهای بلاروس، حد خود کفائی را پشت سر گذاشته اند و جزئی از صادر کنندگان مواد غذایی به شمار می آیند. کشاورزان و دامداران نه تنها روستای خود را ترک نمی کنند بلکه متخصصین کشاورزی به روستاها می روند و با دریافت وام مساعد، طولانی مدت با بهره کمتر، برای خود خانه می سازند و زندگی خود را سر و سامان می دهند. بدین جهت است که شاخص خط زیر فقر در بلاروس کمتر از ۲٪ است. حالا بلاروس ارزان ترین کشور در میان کشورهای ما بعد اتحاد شوروی و مورد توجه مردم عادی روسیه است.

برای تائید نظریات فوق به ارقام و آمار جوع می کنیم:

رادیو اکو (echo) مسکو، در یکی از برنامه های شبانه خود سئوالی را به این شکل با خوانندگان خود در میان گذاشت: در انتخابات ریاست جمهوری دولت متحد روسیه و بلاروس به کدام یک از نامزدها، پوتین و یا لوکاشینکو رای خواهید داد؟

نتیجه رای گیری سیاست مداران و روزنامه نگاران حاضر در استودیو را شوکه کرد. از ۶ هزار نفر پرسش شونده ۸۱٪ از لوکاشینکو و بقیه از پوتین حمایت کردند. از این رای گیری چنین بر می آید که مردم می خواهند کسی در راس حکومت قرار گیرد که در بهبود زندگی مردم گام های بلندی بر دارد. در بلاروس چنین گامی برداشته شده است.

میزان حقوق متوسط در نیمه اول سال ۷۰۰۲، ۱۹۴۸ روبل، میزان متوسط حقوق باز نشستگی در بلاروس ۲۱۸۳ روبل روسیه بود. این ارقام در میان کشورهای مشترک المنافع بالاترین رقم است. اسرار این ترقی در سیستم اقتصادی نهفته است که با اراده محکم رئیس جمهور بلاروس به مرحله اجرا در آمده است.

در کشوری اگر رجال ملی و توانا در راس قدرت قرار گیرند مسیر حرکت اجتماعی را درک نماید، با اتکا به مردم می توانند همه موانع را از سر راه خود بر دارند و کشور را در راه ترقی و تعالی قرار دهند.

استالین روسیه ویرانه را آباد کرد، دنگ شیائوپنگ، چین یک میلیارد نفری را از سقوط نجات داد، لوکاشینکو نگذاشت بلاروس ویران گردد. اکنون این دو کشور آسیائی و اروپائی (چین و بلاروس) مانند جزیره امید می توانند برای رهائی ملل از فقر و در ماندگی سرمشق شوند.